اولین روز استقلال لهستان در ورشو

بصرّف و تحکّم خود را در آن مملکت درازتر گردانند.اصل مقصودشان‏ عبارت بود از اینکه مالیّه و قوای جنگی ایران را نیز کاملا در تحت اختیار خود درآورده و بکلّی حقوق حکمرانی ایران را پایمال سازند.بنابرین‏ دولتین معا برئیس الوزرای ایران سپهسالار اعظم پیشنهاد نمودند که یک‏ هیئت مختلفی مرکّب از مأمورین روسی و انگلیسی و بلژیکی و ایرانی در مالیّهء ایران و جمع و خرج آن از هز حیث نظارت تامّه داشته باشد و بموجب‏ یک قرارداد جداگانه مشتمل بر فسول متعدّده مداخلهء این هیئت را در کلّیهء امور مالیّه که عبارت از اخذ مالیّات و صرف آن باشد شرط نمودند. در خصوص امور نظامی هم تکلیف کردند که دو قشون ایرانی یازده‏ هزار نفری تشکیل شود یکی در ولایات جنوبی ایران و یکی در ولایات‏ شمالی.قشون که در جنوب تشکیل خواهد شد در زیر اداره و فرمان‏ صاحب‏منصبان روسی خواهد بود و مخارج آنرا نیز تا آخر جنگ‏ فرنگستان دولت انگلیس خواهد پرداخت و قشون شمالی در زیر اداره‏ و فرمان صاحب‏منصبان بوسی خواهد بود و مخارج آنرا تا آخر جنگ‏ فرنگستان دولت روسیّه متکفّل خواهد شد.دولت روسیّه مایل بود که‏ در خصوص قشون شمالی همان بریگاد معروف قزّاقخانهء ایرانی را تا یازده هزار نفر توسعه دهد.

دو دولت همجوار برای پیشرفت این مقاصد متوسّل بتدابیر معمولی‏ خویش گشته و در ضمن بنای تهدید نسبت بدولت ایران نهادند که اگر پیشنهاد مزبور ردّ شود«در لندن و پترسبورگ تأثیرات بد خواهد داشت»و نتایج آن برای ایران وخیم خواهد بود.

سپهسالار هم در تحت فشار تهدید و اجبار در ششم شوّال گذشته‏ شخصا یک جواب بی‏سر و بنی پیشنهاد حضرات میدهد و ایشان این‏ جواب شخصی را بمعنی قبول مقاصد خویش از طرف دولت ایران‏ تلقّی نموده و با عجلهء هرچه تمامتر شروع بعملیّات میکنند.از طرف دیگر نیز در دنیا منتشر مینمایند که قراردادی بمضامین فوق مابین دولتین روس‏ و انگلیس و ایران بسته شد.

انتشار این اخبار باعث شد که افکار عامّه سخت بهیجان آمد.مردم‏ ایران از اینکه دیدند باقی ماندهء استقلال ایران نیز دارد باین سرسریها از میان میرود برآشفته و نمایشهای ملّی دادند و هیئت وزرای ایران برافتاد و وثوق الدّوله بمسند صدارت رسید.و همانوقت فورا دولت انگلیس بتوسّط یک مراسلهء رسمی سیر پرسی‏سایکس را که سابقا قنسول انگلیس در کرمان‏ و بعد در مشهد بود و از چندی ببعد در جنوب ایران مشغول ترتیبات قشونی‏ بود بریاست قشون جنوبی ایران معرّفی نمود.روسها هم بلا تأخیر مشغول‏ توسیع دائرهء قزّاقخانه در اصفهان و سایر نقاط گردیدند.

اگرچه این پیش‏آمدها یک صدمهء باستقلال ملّی ایران بود و لکن‏ روزنامهای روسی بآن رنگ دیگری داده و بیرون از انداره بزرگ‏ بقلم دادند.چنانکه«نواویه‏ورمیا»و«روسکویه‏اسلوو»صریحا از زوال‏ استقلال ایران صحبت نموده و حتّی«نواویه‏ورمیا»در پایان مقالهء خود در این خصوص نوشت که«جای بسی امتنان است که دولت ایران بمیل‏ و حسن رضای خود حمایت دولتین روس و انگلیس را پذیرفت».دولت‏ ایران بمحض اطّلاع از انتشارات فوق فورا بتوسّط سفرای خود در لندن و پترسبورگ تکذیب رسمی از اینگونه مطالب نمود و اینک تمام جدّ و جهد خود را مصروف میدارد که تا حدّ مقدور از نتایج مضرّهء این صدمهء عظیم جلوگیری کند.

اوّلین روز استقلال لهستان‏ در ورشو

در موقع تشریفات رسمی برای قرائت فرمان استقلال لهستان از طرف فوی‏بزلر1حاکم کلّ لهستان تمام انجمنهای مختلفهء شهر ورشو و هیئتهای‏ محصّلین و شاگردان مدارس و سربازان فوج لهستانی در قشون آلمان با بیرقهای‏ وطنی خود در قصر بلودر حضور بهمرسانیدند.نمایندگان مذاهب‏ مختلفه«وسنا»و دارالفنون و مدارس عالی و هیئت قضا و اولیای امور شهر و ایالت ورشو و مجامع علمی و صنعتی و باقی‏ماندگان سربازان شورش ملّی‏ سنهء 1280 هجری نیز حاضر بودند.و از جملهء مدعوّین محترم خلیفهء کاتولیک ورشو کاکووسکی‏2و شاهزاده لوبومبرسکی‏3رئیس شهر و دکتر بروچنسکی‏4مدیر دارالفنون و کنت‏شوپتیچکی‏5فرمانده دستجات لهستانی‏ در قشون آلمان بودند.

ظهر درست حاکم کلّ برخاسته فرمان را از دست پیشکار خود گرفته‏ با صدائی بلند و رسا و تأثّرآمیز آنرا قرائت نمود در حالتی که سکوت و خموشی‏ مطلق در تمام تالار و اطراف فرمانفرما بود.

پس از اتمام قرائت متن پولونی فرمان را به کنت‏هوتن‏چاپسکی‏6 داده و کنت مزبور نیز یکدفهء دیگر آنرا بزبان پولونی قرائت نمود.در اینموقع صدای دست زدن از هر جانب بلند شد و مدّتها طول کشید.پس‏ از آن مدیر دارالفنون نطقی نمود حاکی از تشکّر و امتنان از قیصر آلمان‏ و امپراطور اتریش و نطق خود را با فریاد زنده‏باد لهستان آزاد و مستقلّ خاتمه داد. آنگاه حاکم کلّ نطق مهیّجی نمود و از جمله گفت«خاطر ملّت لهستان‏ دیگر از بابت سرنوشت وطن خویش تشویق و اندیشهء نخواهد داشت‏ و حالا دیگر باید هر جه زودتر ملّت لهستان بادارهء سلطنت ملّی خود بپردازد».پس از این نطق موزیک سرود قدیم ملّی لهستان را«خدا که اینگونه لهستانرا حمایت کرده است»نواخت و هم در این لحظه بیرق‏ ملّی لهستان بر فراز برج و تمام زوایای قصر افراشته گردید.و وقتیکه‏ صدای سرود ملّی که در تمام مدّت طویل تسلّط روسها خواندن آن بکلّی‏ غدغن بود بگوش جمعیّتی که در خارج قصر گرد آمده بودند میرسد چندین‏ هزار نفر دفعة سرها را برسم احترام برهنه نموده و با موزیک هم‏آواز شده بنای خواندن سرود را میگذارند.نمایشهای فرح و شادمانی تا نیمهء شب طول میکشد.

(1) Von Beseler

(2) Kakowski

(3) Lubomirski

(4) Brudzynski

(5) Szoptyeki

(6) Hutten-Czspski